مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان (با تکیه بر برمکیان)

سیدمحمود سامانی

فرایند و چگونگی مناسبات هر یک از اهل‌بیت (علیهم السلام) با ایرانیان، از مباحث مهم و اساسی در تاریخ ایران دوره اسلامی است. در این میان، امام کاظم (ع) نیز به رغم محدویت‌های بسیار، با شیعیان ساکن در ایران و نیز ایرانیان ساکن در عراق مانند کوفه و بغداد از طرق مختلف ارتباط داشتند. مقاله حاضر، این مهم را در محورهایی چون مناسبات امام با ایرانیان در مدینه، عراق و نیز به طور خاص مناسبات آن حضرت با برمکیان بررسی و واکاوی می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان چگونه بود؟ تحقیق حاضر به دلیل نگاه خاص و ریز به موضوع و گزارش اجمالی از سیر مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان، می‌تواند برای شیفتگان آن حضرت مفید تلقی شود.

واژگان کلیدی: شیعیان، ایرانیان، برمکیان، سازمان وکالت.

در عصر امام کاظم (ع)، برخی از ایرانیان کم و بیش با مذهب شیعه و اهل‌بیت (علیهم السلام) آشنایی یافته و به تشیع امامی از گونه اعتقادی آن روی آورده بودند. از این رو،

طبیعی بود که مناسباتی میان آن حضرت و پیروان ایشان در ایران برقرار شود. مناسبات امام با ایرانیان، بنا به دلایل و موانعی، چندان گسترده نبود و موقعیت زمانی خاص، داشتن روابط نزدیک را ایجاب نمی‌کرد؛ هرچند در مقایسه با دوران امامان قبلی، ارتباط آن حضرت گسترده‌تر بوده است. با وجود این که اصل رابطه مسلم است، در منابع، اخباری دال بر ارتباط کم‌تر منعکس شده که برخی از دلایل آن را چنین می‌توان بر شمرد:

۱. محدودیت‌های سیاسی و تحت کنترل قرار داشتن فعالیت‌های امام توسط دستگاه خلافت، همواره مانع از انتشار اخبار مربوط به آن حضرت می‌شد.

۲. راهبرد تقیه و شیوه‌های پنهانی مبارزه که در جهت حفظ امام و شیعیان از فشار حاکمیت بود، عامل مؤثری در نبود اخبار در منابع تاریخی است. طبیعت تقیه ایجاب می‌کرد بخش‌های عمده زندگی برخی امامان- حتی علوم و معارف قرآن که به یارانشان آموخته می‌شد- همیشه در پرده خفا باقی بماند.

۳. محدود شدن ارتباط شیعیان پس از شهادت هر امام، به دلیل مشکلاتی که پیش می‌آمد، موجب می‌شد تا به طور معمول، ارتباط شیعیان با امام بعدی بسیار محدود شود. حتی وکلای امام قبلی هم که در سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند، برقراری ارتباطشان با امام با دشواری‌هایی مواجه می‌گشت.

۴. سری بودن دستگاه وکالت و تشکیلات و اقتضای چنین روشی، موجب شد تا اطلاعات زیادی از آن در دسترس نباشد.

۵. دوری راه نیز از دیگر عوامل کمی روابط بود. در عین حال در برخی منابع، اطلاعات اندکی از روابط امام با ایرانیان انعکاس یافته است.

مناسبات: این واژه را ارتباط داشتن با یک‌دیگر معنا کرده‌اند.۱ به عمل متقابل و

ص: ۴۲۰

تأثیر متقابل نیز گفته‌اند.۲ تبادل و دادوستد و معامله نیز از دیگر معانی آن است.۳ در این پژوهش، از واژه مناسبات به جای تعامل و ارتباط استفاده شده است.

مطالب و چارچوب این مقاله که پس از کاوش بسیار در منابع مختلف فراهم شد، در چند محور مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان در مدینه، عراق و مناسبات با برمکیان، تنظیم شده و در نوع خود، حداقل در ساختار و شکل ارائه، کاری نو به شمار می‌آید. در این پژوهش، سعی شده تا تصویری در حد بضاعت از مناسبات یکی از اهل‌بیت (علیهم السلام) با ایرانیان عرضه شود و علی‌رغم کاستی‌هایش، دریچه‌ای را برای ورود به بحث‌ها و پژوهش‌های جدید باز کند. پرسش اصلی فرا روی، عبارت است از: مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان چگونه بود؟ از پرسش‌های فرعی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

مراکز حضور ایرانیان هوادار امام و نیز نمایندگان و وکلای آن حضرت در ایران چه کسانی بودند؟ روابط برمکیان با امام کاظم (ع) چگونه بود؟ اصحاب و یاران ایرانی حضرت کدام‌اند؟

فرضیه مقاله آن است که مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان گسترده نبوده است.

ارتباط امام کاظم (ع) با ایرانیان از این رو گسترده نبود که از زمان امام صادق (ع)، به سبب اقدامات و کنترل شدید دستگاه حکومتی بنی‌عباس نسبت به هواداران اهل‌بیت (علیهم السلام) عملًا امکان و ارتباط ایرانیان با امامان با مشکل مواجه بود از این رو، رابطه شیعیان با ائمه، بیش‌تر غیرمستقیم، باواسطه و از طریق مکاتبات و از کانال سازمان وکالت صورت می‌گرفت که هنوز ساماندهی و کانالیزه شدن آن ادامه

ص: ۴۲۱

داشت. خلفای عباسی برای محدود کردن روابط امامان با هوادارانشان، به دستگیری، حبس، شکنجه و کشتار شیعیان و هواداران ایشان می‌پرداختند؛ اما با این حال کسی نمی‌تواند منکر نفوذ گسترده امامان در جهان اسلام آن روز باشد.

افزایش روزافزون شیعیان و گسترش چشم‌گیر معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) در نقاط مختلف و از سویی فضای اختناق، بیان‌گر تشکیلات کارآمد و منسجم و با مدیریتی آگاهانه است؛ تشکیلاتی که توانست در اوج اختناق و موج فزاینده

---

۱ . اقرب الموارد، ج ۳، ص ۶۴۴؛ معجم الوسیط، ج ۲، ص ۶۲۸.

۲ . محمد رضا جعفری، فرهنگ فشرده انگلیسی- فارسی، ص ۶۲۱.

۳ . لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۹۵.

تبلیغاتی دستگاه خلافت، ضمن نگاه‌داشتن روابط عاطفی و پیوندهای دینی بین شیعیان و امامان در مرزهای عقیدتی و فکری، شیعه را از بین فرقه‌های مختلف و اندیشه دینی تسنن حفظ کرده، هویت آن را در همه دوران سخت تهاجم فکری و فرهنگی صیانت نماید.

مناسبات امام کاظم (ع) با شیعیان از این رو در وضعیت دشواری قرار داشت که دوره امامت آن حضرت، هم‌زمان با تثبیت حاکمیت عباسی و درعین‌حال با قیام‌های متعدد علویان بر ضد عباسیان مصادف بود. از این رو، دستگاه خلافت نسبت به شیعیان سخت‌گیری فوق‌العاده‌ای داشتند.

الف) مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان در مدینه

سال‌های آغازین امامت آن حضرت، از حساس‌ترین دوره‌ها و دشوارترین آزمون‌ها برای شیعیان بود؛ زیرا شدت اختناق از زمان منصور عباسی (حک: ۱۳۶- ۱۵۸ ق) درباره علویان، به ویژه امام صادق (ع)- که عظمت فراوانی در جامعه کسب کرده بودند- سبب شد تا سردرگمی خاصی میان برخی شیعیان نسبت به رهبری آینده به وجود آید. دعوت و جذب شیعیان آن حضرت از طرف بعضی از فرزندان امام که به ناحق داعیه امامت داشتند و بهره‌گیری آنان از فرصت به دست آمده، مزید علت بود.

پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط جهان اسلام، مشکل دیگری بود؛ زیرا آنان

ص: ۴۲۲

در شهرهای دور و نزدیک زندگی می‌کردند و کسب اطمینان درباره امام واقعی برایشان کار دشواری بود. امام صادق (ع) هم به دلایل سیاسی و بنا به مصالحی، چند نفر را به عنوان وصی خود انتخاب کرده بودند.۴ بنابراین، شروع امامت حضرت کاظم (ع)، بسیار حساس و آگاهی از آن برای قاطبه شیعیان امامی و تثبیت امامت آن حضرت، مستلزم گذر زمان بود که با تدابیر امام و خواص از شیعه سامان یافت.

آن حضرت در طول ده سال اول امامتش در زمان خلافت منصور عباسی، در مدینه به شدت تحت مراقبت قرار داشتند و جاسوسانی بر آن حضرت گمارده شده بودند که رفت و آمدها را زیر نظر داشتند و یاران امام را دستگیر می‌کردند. حتی به نقلی، امام یک بار مجبور شدند به غاری در شام پناهنده شوند.۵

امام کاظم (ع) در دوران مهدی عباسی (حک: ۱۵۸- ۱۶۹ ق) و به ویژه در سال‌های اولیه خلافت او که اندکی وضع بهتر شده بود، از فرصت به دست آمده استفاده کردند و به بازپروری و سازماندهی شیعیان پرداختند.۶ با وجود این، بخشش‌های آن حضرت، خلیفه عباسی را به وحشت انداخت. وی احتمال می‌داد که آن حضرت وجوه جمع‌آوری شده از شیعیان در اقصی نقاط جهان اسلام را برای سازمان دادن و تقویت شیعیان مصرف می‌کند. از این رو، امام را به بغداد

---

۴ . راوندی، الخرائج و الجرایح، ص ۲۹۳؛ عطاردی، مسند امام کاظم، ج ۱، ص ۳۹۰؛ جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۳۷۷.

۵ . ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۳۱۱.

۶ . منتظر القائم، تاریخ امامت، ص ۲۰۶.

فراخواند و بازداشت کرد، اما پس از آن به سبب خوابی که دیده بود، امام را آزاد نمود۷ و از ایشان تعهد گرفت که بر خلیفه وقت و فرزندان او خروج نکند.

دوره هادی (۱۶۹– ۱۷۰ ق) قیام مسلحانه و آشکار علویان همانند واقعه" فخ"

ص: ۴۲۳

به رهبری حسین بن علی حسنی، هراس عباسیان از شکل‌گیری یک جریان قوی علوی را سبب گردید. فشار آنان به جریان فکری مخالف، افزایش بیش‌تری یافت. از همین رو، امام کاظم (ع) به شدت سیاست تقیه را پیشه کردند و از هر نوع افشای اسرار و روابط با شیعیان و آشکار نمودن آیین و امور عبادی و مذهبی شیعه، سخت جلوگیری نمودند. تا جایی که حتی گاه در احادیث منقول از حضرت، نام ایشان حذف و با عبارت «عن الرجل» نقل شده است تا از انتساب آشکار روایت به امام جلوگیری شود. امام نیز توصیه می‌کردند که «اگر کسی از شیعیان به حدی از رشد عقلانی رسیده که بتواند با بردباری اسرار ولایت را نگاه دارد، امامت مرا با او در میان گذارید و گرنه چنین نکنید.»۸ با توجه به چنین فضای خفقان، آن حضرت با دنبال کردن برنامه علمی پدر، شکوفایی مکتب اهل‌بیت را حفظ کردند.۹

گفتنی است، مشی امامان شیعه که عملًا حرکت در مسیری فرهنگی بود، از شدت برخورد عباسیان با آن‌ها می کاست. امامان شیعه دقیقاً تقیه را به همین معنا به کار می‌بردند و هر نوع تشکل درونی را در پرده تقیه حفظ می‌کردند. این تشکل نیز نوعی ارتباط علمی و امامتی بود و طرح توطئه سیاسی در آن وجود نداشت. اما این میزان نیز مورد قبول حکومت نبود؛ زیرا آن‌ها این قبیل مسائل را مقدمه اقدامات سیاسی گسترده بعدی می‌دیدند.

در حقیقت ارتباط امام و شیعیان و نیز تعیین وکیل می‌توانست وسیله‌ای برای مقاصد سیاسی در جهت براندازی حکومت و جایگزینی حکومت جدید باشد؛ کاری که خود عباسیان کردند. در نهایت تهدیدی که هارون از ناحیه امام برای حکومت خویش احساس می‌کرد سبب شد تا سخت مراقب امام باشد.۱۰

ص: ۴۲۴

امام کاظم (ع) در تداوم سیاست تقیه پدرشان، همانند ایشان و بلکه گسترده‌تر، با شیعیان ارتباط داشتند و به وسیله پیک‌های مخصوص، دستورهای خود را به یاران ابلاغ می‌کردند.۱۱ آن حضرت با جدیت به گسترش سازمان وکالت پرداختند تا ارتباطهای شیعیان با امام گسسته نشود. دلیل روشن بر گستردگی و افزایش فعالیت سازمان وکالت در عصر

---

۷ . ابن خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰؛ ابن خلکان، وفیات‌الاعیان، ج ۵، ص ۳۰۸؛ ابنشهرآشوب، مناقب، ج ۲، ص ۲۶۴؛ جعفریان، حیات الامام موسی بن جعفر، ج ۱، ص ۴۵۴.

۸ . شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۲۲.

۹ . ابن‌العبری، مختصر تاریخ العرب، ص ۲۰۹.

۱۰ . جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۳۹۴.

۱۱ . شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۴.

امام کاظم (ع)، افزایش وجوهات دریافتی از مناطق گوناگون است؛ چنان‌که گزارش‌های فراوانی از توزیع اموال و وجوه زیاد امام بین شیعیان و مستمندان مسلمان وجود دارد.۱۲

از کانون‌های شیعی در ایران که امام کاظم (ع) با آن‌ها ارتباط داشت، می‌توان از قم، نیشابور، بیهق و ری نام برد.

نیشابور

از آمار و ارقام شیعیان این شهر که مرکزیتی در خراسان داشت، اطلاع دقیقی در دست نیست. استقبال گسترده مردم نیشابور از امام رضا (ع) در مسیر حرکت به مرو و نیز ارتباط برخی از شخصیت‌های شاخص این شهر با برخی از یاران امام کاظم (ع) مانند خلیل پدر فضل بن شاذان که از نزدیکان یونس بن عبدالرحمان صحابی امام هفتم و هشتم بود، مؤید وجود پیروان اهل‌بیت در نیشابور است.۱۳

گزارش‌هایی حاکی از ارتباط امام کاظم (ع) با شیعیان آن شهر است. بنا به نقل علی بن راشد: «گروهی از شیعیان نیشابور گرد هم آمدند و محمد بن علی نیشابوری را به عنوان نماینده خود برگزیدند و سی هزار دینار و پنجاه هزار درهم و مقداری لباس به او دادند که نزد امام هفتم به مدینه ببرد. سپس آن اموال

ص: ۴۲۵

را با پرسش‌هایی که نوشته بودند تا امام بدانان پاسخ دهد، در اختیار محمد بن علی قرار دادند و او آنان را به مدینه نزد امام برد.۱۴

آنچه موجب انعکاس و برجستگی این خبر در منابع شده و آن را با آب و تاب تعریف کرده‌اند، آن است که در میان کسانی که اموالی برای امام کاظم (ع) فرستادند، زنی از اهل نیشابور به نام شطیطه بود. وی تنها یک درهم و پارچه‌ای از کتان آورد که به دست خود تهیه کرده بود و به اندازه چهار درهم ارزش داشت و می‌خواست تا به دست امام رسانده شود و حضرت توجه ویژه‌ای بدان نشان دادند.۱۵

بیهق

بیهق نام قدیم ناحیه‌ای در غرب خراسان است که سبزوار، شهر عمده آن به شمار می‌آمد.۱۶ مهاجرت سادات از ری و نیشابور به این شهر، از دلایل رشد تشیع بیهق بوده است.۱۷ مهاجرت علویان طبرستان و حضور برخی از اصحاب

---

۱۲ . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۶.

۱۳ . شیخ طوسی، رجال، ص ۵۴۱. گفتنی است که خود فضل نیز با امام عسکری(ع)، ارتباط نزدیکی داشت و گاه بعضی از دوستانش را نزد امام می‌فرستاد تا درباره مسایل استفسار کند.(رجال طوسی، ص ۵۴۱)

۱۴ . ابن شهرآشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۹۱– ۲۹۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۷۳– ۷۵.

۱۵ . نک: راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۱۹؛ بیاضی عاملی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۹۱؛ مدینه المعاجز، ج ۶، ص ۳۹۸– ۴۰۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۲۹۲.

۱۶ . ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۱۰.

هواخواه ائمه در آن شهر که گرایش‌های شیعی داشتند نیز در این امر مؤثر بوده است. یاقوت حموی، به شیعه بودن بیش‌تر مردم آن اشاره دارد.۱۸ بنابر گزارش برخی از تاریخ‌های محلی، قنبر غلام امام علی (ع) در بیهق ساکن گردید و مسجدی در این منطقه به نام فرزند او شاذان بن قنبر ساخته شد.۱۹ به گزارش حاکم نیشابوری، تربت قنبر در فرت‌آباد بیهق قرار دارد.۲۰

ص: ۴۲۶

سادات علوی بسیاری به نیشابور و بیهق مهاجرت کردند؛ مانند سادات حسینی آل‌زباره از نسل امام علی بن الحسین (ع) که بعدها به منصب نقابت نیز دست یافتند.۲۱ از میان این خاندان، علمایی برخاستند که ابومحمدالعلوی از آن جمله است.۲۲

شواهدی وجود دارد که از ارتباط برخی از ائمه (علیهم السلام) با اهل بیهق و استمرار آن در عصر امام کاظم (ع) حکایت می‌کند. به نقل راوندی: «گروهی از شیعیان خراسان، فردی را از میان خودشان که مکنّی به ابوجعفر بود، همراه اموال و کالاهایی که متعلق به مقام امامت بود و هم‌چنین تعدادی مسأله و نیز پرسش‌هایی از باب استشاره، به مدینه فرستادند تا وی ضمن تحویل اموال، پاسخ مسائل و مشاورات را نیز دریافت دارد. وی پس از رسیدن به کوفه و حضور در جمع شیعیان، اطلاع یافت که امام صادق (ع) رحلت کرده و امامت به فرزند بزرگ ایشان، امام کاظم (ع) رسیده است. از این رو، به سمت مدینه حرکت کرد و در آن‌جا با ادعای کذب امامت توسط عبداللّه بن جعفر الصادق (ع) مواجه می‌شود. وی پس از مراحلی موفق به ملاقات با امام کاظم شد و پس از آن‌که حضرت مشخصات اموال را بیان می‌دارند، با یقین به امامت آن جناب، آن‌ها را تحویل می‌دهد.»۲۳

بر اساس نقلی، عبدالله حمدویه بیهقی مورد وثوق امام کاظم (ع)۲۴ و به موجب روایاتی، از اصحاب امام رضا (ع) بوده است. مطابق سخن شیخ طوسی، عبدالله با وکیل امام هفتم در ارتباط بود و آن حضرت طی نامه‌ای به او، دستور دادند تا اموال جمع‌آوری شده را به ابراهیم بن عبده وکیل جدید تحویل دهد.۲۵ این

---

۱۷ . همان، ص ۶۰، ۶۱ و ۶۳.

۱۸ . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۵۳۸.

۱۹ . ابن فندق، تاریخ بیهق، ص ۲۵؛ جباری، سازمان وکالت، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲۰ . حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ص ۲۲۶.

۲۱ . نک: فخر رازی، الشجره المبارکه، ص ۱۸۶– ۱۸۸.

۲۲ . نجاشی، رجال، ص ۴۴۲؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۴۸۵.

۲۳ . جباری، سازمان وکالت، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲۴ . رجال کشی، ص ۳۰۸.

۲۵ . اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۷۹۷.

ص: ۴۲۷

گزارش، مؤید وجود شیعیان در بیهق و ارتباط آنان با امام از طریق وکلای آن حضرت است.

قم

این شهر از کانون‌های اولیه شیعی در ایران به شمار می‌آید و شیعیان آن، مناسبات گسترده‌ای از نیمه سده دوم به بعد با اهل‌بیت (علیهم السلام) داشتند. امام کاظم (ع) در این شهر یارانی داشتند که غالباً از قبیله عرب اشعری ساکن در قم بودند؛ از جمله: حمزه بن یسع، زکریا بن عبدالصمد قمی، سهل بن یسع بن عبدالله، سعدبن عمران قمی، حسین بن مالک قمی و زکریا ابن عمران قمی.۲۶ زکریای ابن آدم نیز از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا (ع) بود.۲۷ عبدالعزیز مهتدی قمی نیز از یاران امام قلمداد شده است.۲۸

امام کاظم (ع) درباره قم فرمود: «قم عُش آل محمد و مأوی شیعتهم؛۲۹ قم آشیانه آل محمد و پناهگاه ایشان است.» ازاین فرمایش، بر می‌آید که آن حضرت به قم توجه داشته‌اند. هرچند از وکلای امام در این شهر گزارشی موجود نیست. گفتنی است که شروع وکالت در برخی شهرهای ایران، از زمان امام جواد (ع) بوده است.

ری ۳۰

این شهر باستانی در سال ۲۲ هجری به دست مسلمانان افتاد. سپس بنای قدیم

ص: ۴۲۸

آن خراب و شهر جدیدی ساخته شد.۳۱ تا پیش از سقوط امویان در سال ۱۳۲ قمری، مردم این شهر آشنایی چندانی با اهل‌بیت نداشتند. حکومت کسانی مانند کثیر بن شهاب از سوی بنی‌امیه، از علل آن می‌تواند باشد. از این رو، این دوره را

---

۲۶ . نک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۴۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۸۸؛ عطاردی، مسند الامام الکاظم، ج ۲، ص ۶ ۲۶ و ۴۶۳؛ قریشی، اصحاب ایرانی ائمه اطهار، ص ۱۷۱– ۱۷۲.

۲۷ . شوشتری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۵۶.

۲۸ . نک: جعفر المهاجر، رجال الاشعرین من المحدثین و اصحاب الائمه.

۲۹ . مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۴.

۳۰ . این شهر از جمله شهرهای باستانی ایران است که در سال ۲۲ هجری به دست مسلمانان افتاد. پس از آن بنای قدیم آن خراب و شهر جدیدی ساخته شد.

۳۱ . ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۴.

می‌توان دوره دوری از تشیع نامید.۳۲ هرچند برخی از مردم این شهر در اواخر حکومت بنی‌امیه، با زید فرزند امام سجاد (ع) بیعت کرده بودند.۳۳

پس از انقراض بنی‌امیه و با انتشار اخبار فضایل اهل‌بیت توسط کسانی چون عبدالله بن عبدالقدوس رازی که از کوفه وارد این شهر شده بودند، تشیع آرام آرم گسترش یافت.۳۴ وجود مقبره‌ای منسوب به حمزه‌بن موسی بن‌جعفر (ع) و برخی دیگر از اولاد امام در این شهر، وجود تشیع در ری را اثبات می‌کند. افزون بر آن، ری تحت تأثیر قم به تدریج به تشیع گرایش یافت.

گزارش‌هایی از ارتباط امام کاظم (ع) با برخی از شیعیان ری در دست است. به موجب نقلی، در زمان امارت یکی از منشیان یحیی بن خالد بر مکی بر ری، فردی از این شهر به حکومت بدهکار بود. وی می‌ترسید که به پرداخت آن‌ها ملزم شود. درعین‌حال، وی گفته شده بود، حاکم ری شیعه‌مذهب است اما بدهکار هم‌چنان از اظهار مطلب خود نزد حاکم واهمه داشت. سرانجام فرد یاد شده در سفر حج با امام کاظم (ع) دیدار کرد و نزد آن حضرت از وضعیت خود شکوه نمود. امام نامه‌ای نوشتند تا آن را به حاکم ری تحویل دهد. متن نامه امام چنین بود:

بدان که زیر عرش خداوند سایه‌ای وجود دارد که کسی را توان آسایش در زیر آن نیست مگر آن‌که در حق برادر خود خدمتی بکند یا مشکلی را از او بردارد

ص: ۴۲۹

یا سروری در قلب او وارد کند، این شخص (حامل نامه) برادر توست."۳۵

حامل نامه پس از بازگشت به ری، شبانگاه نزد حاکم رفت و خود را فرستاده صابر (امام کاظم (ع)) معرفی کرد. حاکم پس از اطلاع، با پای برهنه نزد حامل نامه آمد و با دریافت نامه آن را بوسید و پس از پرسش از حال امام و خوشحالی از سلامت آن حضرت، دستور داد تا اموال و لباس به آن شخص اعطا کنند.۳۶

این گزارش اولًا وجود شیعیان در ری و ارتباط آنان با امام را تأیید می‌کند و ثانیاً نفوذ برخی شیعیان در بدنه دستگاه حاکمیت و هواداری ایشان از شیعه را نشان می‌دهد.

مفضل بن عمر گوید:

---

۳۲ . جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۴۵.

۳۳ . ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۳۲.

۳۴ . نک: جعفریان، تشیع در ری، ص ۳۷.

۳۵ . مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۷۴.

۳۶ . همان، ج ۴۸، ص ۱۷۶ و ج ۷۴، ص ۲۱۳؛ عدة الداعی، ص ۱۷۹.

دو مرد خراسانی از اصحاب امام صادق (ع) مقداری مال از خراسان به قصد مدینه حمل می‌کردند و همواره مواظب بودند. در شهر ری یکی دیگر از اصحاب آن حضرت با آن دو دیدار کرد و کیسه‌ای که حاوی دو هزار درهم بود به آنان داد تا به امام برسانند. آنان اموال را تا نزدیکی مدینه حمل کردند و در نزدیکی شهر، متوجه شدند که کیسه‌ای که فردی از ری به آنان تحویل داده مفقود شده است و از این جهت غمناک شدند. هنگامی که آنان به محضر امام رسیدند، کیسه را نزد آن حضرت یافتند.۳۷

از مناسبات امام با دیگر مردم شهرهای ایران اخبار مهمی در دست نیست.

ب) مناسبات امام کاظم (ع) با ایرانیان در عراق

امام کاظم (ع) پس از احضار به بغداد توسط هارون، به شدت تحت مراقب بودند. هارون در پی آن، حضرت را به سبب گسترش فعالیت‌های فرهنگی و

ص: ۴۳۰

ارتباط با شیعیان، چند سالی زندانی کرد.۳۸ علل مختلفی برای دستگیری و زندانی کردن امام گزارش شده است؛ از جمله نفوذ امام و سازماندهی گسترده و هوشمندانه شیعیان که خلیفه را به وحشت انداخت، چنان‌که برخی به هارون گفتند: «اکنون دو خلیفه وجود دارد: یکی تو و دیگری موسی بن جعفر.»۳۹ برخی مناظره هشام‌بن‌حکم درباره امامت را دلیل آن دانسته‌اند که دستگاه خلافت را به واکنش سریع واداشت.۴۰ نیز گفته شده یحیی‌برمکی هدیه‌ای برای محمدبن‌اسماعیل فرستاد تا از آن حضرت نزد هارون سعایت کند. وی که به عمویش امام کاظم (ع) رشک می‌برد نزد هارون رفت و گفت: «گمان نمی‌کردم در زمین دو خلیفه باشد تا این که دیدم به عمویم موسی‌بن‌جعفر نیز سلام به خلافت می‌دهند.»۴۱ از این رو خلیفه دستور جلب امام به عراق را صادر کرد.

حبس امام در جاهای مختلف عراق، ارتباط شیعیان را بسیار دشوار ساخته بود، اما مناسبات امام با شیعیان و ایرانیان هوادار خود حتی در سال‌های زندانی بودن امام نیز با تمام محدودیت‌ها و مشکلات استمرار داشت. البته طبیعی است که همانند دوره حضور امام در مدینه نبود، اما وجود تشکیلات سازمان وکالت، پیوند امام با شیعیان ایرانی را میسر می‌ساخت. این سازمان در عصر این امام گسترده‌تر شد. مواردی از ارتباط امام با ایرانیان را می‌توان چنین برشمرد:

---

۳۷ . جباری، سازمان وکالت، ص ۱۱۸.

۳۸ . کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۸۴.

۳۹ . شیخ صدوق، معانی‌الاخبار، ص ۱۸۳.

۴۰ . رجال کشی، ص ۲۶۱- ۲۵۶.

۴۱ . کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۸۷.

حضرت موسی‌بن‌جعفر (ع) سال‌ها در زندان‌های مختلف عراق (بصره و بغداد) به سر می‌بردند.۴۲ در این مدت، برخی ایرانیان هم خود آن حضرت را از نزدیک دیدار می‌کردند و هم سجایای اخلاقی و زهد و عبادت آن حضرت را از زبان دیگران می‌شنیدند. چنان که موسی‌بن ابراهیم مروزی ساکن بغداد، آن حضرت را

ص: ۴۳۱

دیدار کرد. وی پیش‌تر از مأموران پلیس آن شهر بود و سپس به حلقه راویان پیوست. مروزی زمانی که امام کاظم (ع) در بغداد زندانی بودند، از آن حضرت حدیث شنید. گفته شده وی تا سال ۲۲۹ زنده بوده است.۴۳

علی‌بن‌یقطین و زیادبن‌مروان قندی، گویا نمایندگان امام در بغداد بودند و از آن‌جا با شیعیان ارتباط داشتند.

امام کاظم (ع) در عراق بیش‌تر از راه مکاتبه با پیروانش در ارتباط بودند، چنان‌که منابع از مکاتبه عبدالله بن جندب رازی از وکلای امام در اهواز سخن گفته‌اند.

ج) برمکیان ایرانی و امام کاظم (ع)

برمکیان خاندانی بودند که از اواخر دوره امویان در شرق ایران مطرح شدند. آن‌ها با توجه به خدماتشان در روی کار آوردن عباسیان، حضور فعالی در دستگاه خلافت یافتند و عهده‌دار مناصب بزرگی چون وزارت شدند.۴۴ جعفر آن چنان بر هارون چیره شده و دل و احساس او را قبضه کرده بود که از آن دو تعبیر شده به جامه‌ای که دو جیب داشته است. کنایه از این که آنان به منزله یک روح در دو بدن بودند.

امام هفتم در اوج قدرت برمکیان در دستگاه خلافت، به بغداد احضار شدند. از این رو، این سؤال به نظر می‌رسد که آیا آنان نقشی در بازداشت و شهادت آن حضرت داشته‌اند یا خیر؟ دراین‌باره آراء مختلفی وجود دارد. عده‌ای برمکیان را مقصر اصلی در زندانی شدن و سپس شهادت آن حضرت می‌دانند. در مقابل

ص: ۴۳۲

برخی دیگر آل برمک را هواخواه امام و حتی شیعه قلمداد کرده، اتهام دست داشتن آنان در حبس و شهادت آن حضرت را انکار می‌کنند. برای روشن شدن موضوع، گزارش‌های موافق و مخالف آورده می‌شود:

۱. دیدگاهی که نقش برمکیان را در شهادت امام مثبت ارزیابی می‌کنند، معتقدند:

---

۴۲ . نک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶۶؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴۳ . رجال نجاشی، ص ۴۰۴، ۴۰۸؛ طوسی، فهرست، ص ۱۶۳؛ مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، ص ۴۲۰- ۴۲۱.

۴۴ . برمک لقب عمومی نگهبانان بودایی معبد نوبهار بلخ و مشتق از کلمه پارماکا در زبان سانسکریت به معنای پیشوای روحانی بوداییان است.(تاریخ برمکیان، ص ۲۹- ۳۰).

یحیی برمکی از این ناراحت بود که هارون فرزند خود را به منظور تربیت نزد جعفربن‌محمدبن اشعث که گفته شده اعتقاد به امامت موسی‌بن‌جعفر داشت، سپرده بود. از این رو، ضمن بدگویی از امام نزد هارون، علی‌بن‌اسماعیل برادرزاده آن حضرت را بر ضد امام تحریک کرد تا ذهنیت هارون به امام را منفی کند.۴۵

شاید از این روست که شیخ مفید، یحیی را به دست داشتن در گرفتاری حضرت متهم کرده، می‌نویسد:

یحیی به جهت رقابت با محمدبن‌اشعث و با اطلاع از امامی بودن وی، از گرفتاری معیشتی اسماعیل‌بن‌علی نواده امام صادق (ع) سوءاستفاده کرد و با دادن هدایایی، وی را به بدگویی از امام نزد هارون ترغیب نمود و همین امر، به دستگیری و شهادت امام انجامید.۴۶

– بنا به نقلی، یحیی‌بن‌خالد برمکی از امام کینه داشت؛ زیرا وقتی هارون سخنان هشام‌بن‌حکم (از یاران امام) را شنید و به وی علاقه‌مند شد، یحیی عکس‌العمل نشان داد و از آن حضرت سعایت کرد.۴۷

– بر اساس گزارشی، امام پس از احضار از مدینه، در بغداد به فضل‌بن‌یحیی برمکی سپرده شد و چون او عبادت امام را مشاهده کرد، به آن حضرت احترام نمود و به سبب احتراز از آزار و کشتن علویان، فرمان هارون مبنی بر به شهادت

ص: ۴۳۳

رساندن امام را نپذیرفت.۴۸ پس از آگاهی هارون از رفتار فضل، خلیفه در صدد تفحص برآمد و پس از اثبات گفته سعایت‌گران، فضل را لعن کرد و به او صد تازیانه زد و امام را از او تحویل گرفت. یحیی‌بن‌خالد پدر فضل، برای حفظ موقعیت و نجات فرزند، در به شهادت رساندن امام پیش‌قدم شد و با کمک سندی‌بن‌شاهک (داروغه بغداد) آن حضرت را به شهادت رساند.۴۹ کشی از رجال‌شناسان نیز اعتقاد دارد که یحیی امام را به شهادت رسانده است.۵۰

– بنا به روایتی، امام رضا (ع) یحیی برمکی را نفرین کردند و از فرجام برامکه خبر دادند.۵۱ چنان‌که برخی منابع، به استجابت دعای آن حضرت درباره خذلان ایشان اشاره کرده‌اند.۵۲ بر اساس روایتی، به امام رضا (ع) عرض شد: «آیا

---

۴۵ . شیخ مفید، ارشاد، ج ۲ ص ۲۷۹؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۷۱؛ عطاردی، مسند امام کاظم، ص ۱۱۵.

۴۶ . ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۷.

۴۷ . جعفریان، حیات فکری و سیاسی، ص ۳۹۴.

۴۸ . شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۳۶.

۴۹ . ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۳۳۶؛ خواندمیر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۷۹.

۵۰ . رجال کشی، ص ۵۰۳.

۵۱ . ارشاد، ج ۲، ص ۲۵۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۸۵.

۵۲ . شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۵۴۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۸۵.

یحیی پدرتان را مسموم کرد؟» امام آن را تأیید فرمود.۵۳ برخی از پیش‌گویی خود امام کاظم (ع) از فرجام برمکیان خبر داده‌اند. آن حضرت فرمود: «بیچارگان آل‌برمک نمی‌دانند چه بر سر آن‌ها می‌آید».۵۴ یادآوری می‌شود که مسمومیت و مرگ ادریس‌بن‌عبدالله (مؤسس سلسله ادریسیان در مغرب) را نیز به یحیی نسبت داده‌اند.۵۵

گزارش‌های یاد شده، بیان‌گر آن است که برمکیان در جایی که منافع شخصی و مناصب درباری ایشان به خطر می‌افتاد، حتی از کشتن کسانی مانند امام نیز دریغ نمی‌کردند. به عبارتی آن‌ها سیاستشان را بر اقتضائاتی تنظیم می‌کردند که حول منافعشان می‌چرخید.

ص: ۴۳۴

۲. دیدگاهی که نقش برمکیان را در شهادت امام منفی ارزیابی می‌کنند:

این دیدگاه، سعی در ترسیم شخصیتی مثبت از برمکیان دارد و حتی برخی از منابع، از تمایلات شیعی برمکیان سخن می‌گویند و دراین‌باره، شواهد و مصادیقی آورده‌اند؛ از جمله:

– طبق گزارشی نظر مشورتی خالد برمکی به منصور عباسی (حک: ۱۳۶– ۱۵۸ ق) درباره خرابی مداین و استفاده از مصالح آن برای بنای بغداد این بود که چون آن‌جا امیرمؤمنان امام علی (ع) نماز خوانده‌اند. تخریب نشود.۵۶ از این گزارش، خواسته‌اند گرایش مذهبی سرسلسله این خاندان را به دست آوردند که آن به فرزندان وی نیز منتقل شده است.

– مطابق گزارش ابوالفرج اصفهانی، هنگامی که فضل‌بن‌یحیی برمکی از سوی هارون مأموریت یافت تا یحیی‌بن‌عبدالله علوی را که پس از جان سالم به در بردن از واقعه خونین فخ در مکه، به ایران هجرت کرده و در دیلم در شمال ایران قیام کرده بود با هر تدبیری فرونشا، فضل برای این علوی از خلیفه عباسی امان‌نامه گرفت و چون از مخفیگاه یحیی آگاه گردید، طی نامه‌ای به او نوشت: «دوست دارم دیداری تازه کنم، اما بیم دارم این ملاقات، سبب گرفتاری تو و من گردد؛ پس با حاکم دیلم مکاتبه کن؛ من نیز درباره تو با او مکاتبه کرده‌ام که به سرزمین او بروی و از حمایت او بهرمند گردی».۵۷

– در گزارشی آمده است که هارون، یحیی‌بن‌خالد برمکی را متهم کرد که به یحیی بن عبدالله علوی گرایش دارد. نیز خلیفه، یحیی برمکی را متهم ساخت که وی دویست هزار دینار برای پیشبرد انقلاب علوی یاد شده کمک کرده است.۵۸

---

۵۳ . طبری، دلائل الامامه، ص ۱۴۷؛ رجال کشی، ص ۵۰۳.

۵۴ . شریف قرشی، تحلیلی از زندگی امام کاظم(ع)، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵۵ . ابوالفرج اصفهانی، مقاتل‌الطالبیین، ص ۴۰۷.

۵۶ . ابن فقیه، البلدان، ص ۲۸۸؛ مؤلف ناشناخته، مجمل التواریخ و القصص، ص ۵۱۵؛ ابن طقطقی، الفخری، ص ۱۵۴؛ ابن خلدون، تاریخ این خلدون، ج ۳، ص ۲۴۷.

۵۷ . مقاتل الطالبیین، ص ۳۲۷.

۵۸ . جهشیاری، الکتاب و الوزرا، ص ۲۴۳.

شاید از این رو باشد که برخی نوشته‌اند یحیی فرزند خود فضل را از ریختن خون یحیی‌بن‌عبدالله بر حذر داشت و از او خواست تا با توجه به متهم بودن برامکه به تشیع، ماجرای او را با مصالحه حل کند.۵۹

– هم‌چنین به موجب خبری، یحیی برمکی به فرزند دیگرش جعفر سفارش کرد تا یحیی علوی را از زندان آزاد کند.۶۰ گزارشی هم از کمک مالی یحیی به علوی یاد شده حکایت دارد.۶۱ از نظر برخی، مناسبات و رویکرد برامکه نسبت به علویان، دلیل خشم گرفتن هارون به برامکه بوده است.۶۲

گفتنی است که یحیی‌بن عبدالله بن‌حسن از یاران و راویان امام صادق (ع) به شمار می‌رود.۶۳ و به عقیده ابوالفرج، از لحاظ مذهبی مردی خوش‌عقیده بود و در قیام شهید فخ زخمی و فراری شد و به دیلم رفت.۶۴ او در سال ۱۷۶ هجری در شمال ایران قیام کرد. هارون فضل‌بن‌یحیی را مأمور دفع قیام او کرد.۶۵ گفته شده ایرانیان بسیاری به او گرویدند.۶۶ در گزارش اغراق‌آمیزی، تعداد بیعت‌کنندگان با او را صد هزار نفر دانسته‌اند. در اثر مساعی او، تشیع به قسمت‌هایی از منطقه شمال ایران راه یافت و این زمینه‌ساز ترویج تشیع در منطقه و از زمینه‌های تشکیل دولت علویان طبرستان در نیمه قرن سوم هجری شد.

– دو نفر از یاران امام کاظم (ع) به نام‌های هشام‌بن‌حکم و علی‌بن‌هیثم، در مجالس مناظره‌ای که یحیی برمکی ترتیب می‌داد، شرکت می‌کردند و هشام در

اثبات مشروعیت امامت امام کاظم (ع) می‌کوشید.۶۷ برخی این نوع برخوردها را حاکی از گرایش‌های شیعی برمکیان دانسته‌اند که پذیرفتن آن مشکل است؛ زیرا بدگویی برامکه از علویان، از دلایل تقرب ایشان در دستگاه خلافت بوده است. زندانی شدن امام کاظم (ع) و شهادت آن حضرت نیز به تحریک آنان صورت گرفته است. به نقل مرحوم شیخ

---

۵۹ . طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۸۹؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۳۳۴؛ میرخواند، حبیب السیر، ص ۲۳۷.

۶۰ . مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۰.

۶۱ . الکتاب و الوزراء، ص ۱۵۷.

۶۲ . تاریخ طبری، ج ۸، ص ۲۸۹؛ وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۳۲۴– ۳۲۵.

۶۳ . شیخ طوسی، رجال، ص ۳۳۲

۶۴ . ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۳۸۸.

۶۵ . تاریخ طبری، ج ۶، ص ۴۴۹.

۶۶ . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱۲؛ تاریخ طبری، ۸ ص ۲۴۲؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۴۷.

۶۷ . حیات فکری و سیاسی، ص ۳۹۴.

صدوق، یحیی برمکی افزون بر وادار کردن هارون به کشتن امام کاظم (ع)، هم‌چنین محرک این خلیفه برای به قتل رساندن امام رضا (ع) بوده است؛ اما هارون با این سخن که «آیا تو می‌خواهی شمشیر بکشم و همه این‌ها را به قتل برسانم؟»۶۸ به خواسته او جواب رد داد.

بی‌تردید از میان برامکه، تنها فضل‌بن‌یحیی به علویان تمایل داشت و سهل‌گیری او با امام کاظم (ع) در زندان بصره و نیز دادن اجازه به یحیی‌بن‌عبدالله برای رفتن به زیارت خانه خدا، موجب شد تا برامکه به تشیع متهم شوند.۶۹ در حالی که عملکرد شخصیت‌های شاخص برامکه، شیعه بودن و حتی تمایل و هواخواهی آنان از اهل‌بیت (علیهم السلام) را زیر سؤال می‌برد.

د) یاران ایرانی امام کاظم (ع)

با استقصا در منابع، یاران زیادی را می‌توان برای امام کاظم (ع) برشمرد که اینان یا اصالتاً ایرانی بودند و یا از عرب‌های ساکن در این سرزمین به شمار می‌آیند که به سبب اقامت طولانی مدت، ایرانی شناسانده شده‌اند. اسامی برخی از آنان عبارت است از:

۱. ابراهیم‌بن ابی محمود خراسانی که برخی مسائل و مطالب از امام هفتم

را جمع‌آوری کرده است.۷۰ ابراهیم هم‌چنین از اصحاب امام رضا (ع) بود و مطابق گزارشی، نامه‌ای از امام رضا (ع) برای فرزندش حضرت جواد (ع) فرستاده است.۷۱

۲. ابونصر بشربن حارث‌بن عبدالرحمان ملقب به بشرحافی متولد دهکده عابرسام در نزدیک مرو.۷۲

۳. بکربن‌صالح رازی مولای بنی‌ضبه راوی حدیث امام هفتم و برخی دیگر از ائمه (علیهم السلام) که علی‌بن‌ابراهیم قمی از او حدیث نقل کرده است.

۴. ابوالحسن علی‌بن‌حمزه اسدی معروف به کسایی که ایرانی‌الاصل و متولد کوفه بود.۷۳

---

۶۸ . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۹۶.

۶۹ . تحلیلی از زندگی امام کاظم، ج ۲، ص ۳۴۰.

۷۰ . رجال کشی، ۴۷۴.

۷۱ . رجال نجاشی، ص ۲۵؛ علامه حلی، زندگانی امام جواد(ع)، ص ۱۴۴.

۷۲ . خوانساری، روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۳۳.

۷۳ . زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۹۲.

۵. محمدبن‌خالد برقی که از برقه‌رود قم بود و مدتی در بغداد اقامت کرد. وی از کسانی است که به حضور امام کاظم رسید.۷۴

۶. محمدبن‌علی نیشابوری از افراد موثق شیعه که مردم نیشابور او را به عنوان نماینده خود پس از شهادت امام صادق (ع) برای شناسایی وصی و امام پس از آن حضرت به مدینه فرستادند.۷۵

۷. ابوعمر موسی‌بن ابراهیم مروزی که برای ارتباط با امام، معلمی پسران سندی‌بن شاهک را پذیرفت و شنیده‌های خود از امام را جمع‌آوری کرد و آن را مسند الامام موسی بن جعفر نام نهاد.۷۶

ص: ۴۳۸

۸. یحیی‌بن‌زیاد دیلمی مشهور به فراء دیلمی۷۷ (م ۲۰۷ یا ۲۰۸ ق) از معاریف لغویان و نحویان که با امام ارتباط داشت. وی شاگرد کسایی و مربی فرزندان مأمون بود. نویسندگان ریاض‌العلما و تأسیس‌الشیعه به تشیع وی تصریح کرده‌اند. بنا به نقلی، پدر وی زیاد اقطع در قیام شهید فخ (حسین‌بن‌علی‌حسنی) در سال ۱۶۹ هجری حضور داشت.۷۸

۹. ابوالحسن علی‌بن‌یقطین و برادرش خزیمه‌بن‌یقطین۷۹ نیز حسن و حسین پسران علی‌بن‌یقطین، از اصحاب امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بودند.۸۰ آل‌یقطین از موالی بنی‌اسدبن‌خزیمه به شمار می‌آمدند. امام هفتم به علی وعده بهشت داده بود. وی به توصیه امام مخفیانه به شیعیان کمک مالی می‌کرد. نیز مالیات را از شیعیان آشکارا می‌گرفت و پنهانی بر می‌گرداند.۸۱ جندب رازی که به خدمت امام رسید و آن حضرت از مرگ دوست وی خبر داد.۸۲

۱۱. به موجب نقلی، تکتم (تکتما) همسر امام و مادر امام رضا (ع) کنیزی ایرانی دانسته شده است.۸۳ ابومحمد حریزبن‌عبدالله سجستانی از موالی ازد کوفه که برخی وی را از اصحاب امام کاظم (ع) دانسته‌اند.

---

۷۴ . طوسی، رجال، ص ۳۶.

۷۵ . تحلیلی از زندگانی امام کاظم(ع)، ج ۲، ص ۳۷۰.

۷۶ . رجال نجاشی، ص ۳۱۹.

۷۷ . عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، ص ۲۲۱- ۲۲۲.

۷۸ . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴، ص ۲۰۰؛ مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار، ج ۱۴، ص ۴۰۳.

۷۹ . بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۰۷.

۸۰ . رجال نجاشی، ص ۴۵.

۸۱ . کافی، ج ۵، ص ۱۱۲؛ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۳۰.

۸۲ . عماد الدین حسن بن علی طبری، مناقب الطاهرین، ج ۲، ص ۷۳.

۸۳ . درباره نام مادر امام رضا(ع) و ملیتش نک: مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۵۲ و ۲۰۲؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۴۰.

وی در نبردهای ضد خوارج در سیستان حضور داشت. تألیفاتی از او گزارش شده است.۸۴

ص: ۴۳۹

هم‌زمانی دوران امامت امام کاظم (ع) با دوره تثبیت و اقتدار دستگاه خلافت عباسی، فشار دوچندانی را بر امام و یارانش وارد می‌ساخت. از این رو، روابط امام با پیروانش از جمله ایرانیان در تنگنای شدید قرار گرفته بود.

مناسبات امام کاظم (ع) در مدینه با شیعیان ایرانی، گسترده‌تر از بغداد و در مقایسه با عراق بیش‌تر و گاهی از نوع ارتباط مستقیم بود. اما با انتقال آن حضرت به عراق، مناسبات با ایرانیان غیرمستقیم و از طریق سازمان وکالت صورت می‌گرفت. در عصر آن حضرت، کانون‌های شیعی در ایران محدود بودند. قم، اهواز، نیشابور و بیهق، از جمله مهم‌ترین کانون‌های شیعی محسوب می‌شدند و با امام ارتباط داشتند.

مناسبات امام با برمکیان به عنوان صاحب‌منصبان دستگاه خلافت را باید در جهت سیاست عباسیان در برخورد با علویان ارزیابی کرد. با توجه به این که برمکیان در زمان شهادت امام، در اوج قدرت و نفوذ خود در دستگاه خلافت بودند و رتق‌وفتق امور قلمرو عباسیان باتدبیر آنان صورت می‌گرفت، به نظر می‌رسد آنان در کلیت، تابع سیاست خلیفه بودند گزارش‌های موجود از نقش بعضی از برمکیان در شهادت امام کاظم (ع) حکایت دارند.

امام کاظم (ع) در میان ایرانیان و نیز عرب‌های ساکن در ایران یارانی داشتند که به طرق مختلف با آن حضرت در ارتباط بودند.

منابع

۱. ابن‌الفقیه، احمدبن محمدبن اسحاق الهمذانی، البلدان، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، بی‌جا: ۱۳۴۹ ش.

ص: ۴۴۰

۲. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، (م ۲۸۴ ق)، قم: اهل بیت (ع)، بی‌تا.

۳. احمدی میانجی، مکاتیب الأئمهٔ (ع)، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.

۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الأئمهٔ، قم: نشر رضی، ۱۴۲۱ ق.

۵. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل‌الطالبیین، بیروت: دارالمعرفهٔ، بی تا.

۶. بغدادی، یاقوت حموی، معجم البلدان، دارصادر، بیروت، ۱۹۹۵ م.

۷. بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتاب‌العربی.

---

۸۴ . ابوداوود، رجال، ص ۱۰۲؛ الذریعه، ج ۲، ص ۱۴۵.

۸. بیهقی، تاریخ بیهق، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۹. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمهٔ (ع)، قم: مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.

۱۰. جعفر المهاجر، رجال الاشعرین من المحدثین و اصحاب الائمه، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۱۱. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵ ش.

۱۲. جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امام شیعه، قم: انصاریان، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۱۳. حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، تهران: آگاه، ۱۳۷۵.

۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۱ ق.

۱۵. خلکان، احمدبن‌محمد، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، به کوشش احسان عباس، بیروت: دارصادر، بی‌تا.

۱۶. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم: مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.

۱۷. رسول، جعفریان، تاریخ گسترش تشیع در ری، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۱۸. زرکلی، خیرالدین (م ۱۳۹۶)، الأعلام قاموس تراجم لأشهرالرجال و النساء من‌العرب و المستغربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، ط الثامنة، ۱۹۸۹.

۱۹. سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ ق.

ص: ۴۴۱

۲۰. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، بی‌تا.

۲۱. شیخ صدوق، خصال صدوق، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۲۲. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

۲۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، به کوشش علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۲۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۱ ق.

۲۵. شیخ طوسی، الفهرست، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱ ش.

۲۶. شیخ کلینی، کافی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۲۷. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۲۸. طباطبایی، سیدحسین مدرسی، میراث مکتوب شیعه، دفتر اول، ترجمه سیدعلی قرایی و رسول جعفریان، ۱۳۸۳، بی نا.

۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل‌البیت، ۱۴۱۷ ق.

۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری باعلام الهدی، قم: آل البیت، ۱۴۱۷ ق.

۳۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ط الثانیة، ۱۳۸۷ ق/ ۹۶۷ م.

۳۲. طبری، عمادالدین حسن بن علی، مناقب الطاهرین، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹ ش.

۳۳. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.

۳۴. عاملی، سیدمحسن امین، أعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق.

۳۵. عبری، غریغوریوس الملطی، تاریخ مختصرالدول، تحقیق انطون صالحانی الیسوعی، بیروت: دارالشرق، ط الثالثة، ۱۹۹۲.

۳۶. عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، تهران: مؤسسه اهل البیت، بنیاد بعثت، ۱۳۶۱ ش.

ص: ۴۴۲

۳۷. عطاردی، عزیزالله، مسندالإمام الکاظم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ ق.

۳۸. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، قم: نوید اسلام، ۱۳۷۱.

۳۹. علامه مجلسی، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه‌الأطهار، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

۴۰. قریشی، سیدحسن، اصحاب ایرانی ائمه اطهار (ع)، آشیانه مهر، ۱۳۸۶.

۴۱. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی (در ۸۰۵)، تحقیق سیدجلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ ش.

۴۲. کشی، محمد عمر، رجال الکشی (اختیار معرفه الرجال)، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۴۳. مازندرانی، ابن شهرآشوب، المناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۴۴. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.

۴۵. منتظر القائم، اصغر، تاریخ امامت، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.

۴۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۴۷. هندی، علاءالدین علی‌المتقی، کنزالعمال، به کوشش شیخ صفوه السقا، بیروت: الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۴۸. یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب، البلدان، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۲ ق.۸۵

ص: ۴۴۳

۸۵ همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام (۱۳۹۲: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، ۲جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه – قم – ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۲ ه.ش.